

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی عصرآدینه

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

بررسی نمادهای امام دوازدهم در ایران، با تکیه برالمان های شعر، سازه، مراسم تا پایان سده دهم هجری

مجید احمدی کجایی^۱

چکیده

پژوه حاضر به دنبال بازخوانی گونه های از نماد می باشد که ترجمان باور به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در آن نمودار شده است، محدوده زمانی آن از ابتدای غیبت کبری بوده و تا اواسط دولت صفویان مورد کنکاش قرار گرفته است، دوره ای که شیعه امامیه به شدت در تکاپو بوده و توانست در جغرافیای ایران رشد شگفت انگیزی داشته باشد، در این مسیر بازخوانی چندالمان مشهور از جمله شعر، سازه، مراسم مورد بررسی قرار گرفته و این مهم دانسته شد که بسیاری از این نمادها سیر تکاملی داشته و با گسترش باور به غیبت امام ثانی عشر و آزادی نسبی متأثر از حاکمان شیعی در نمادسازی نقشی بس چشم گیر داشته است، در ادامه برخی از نشانه های خرافی نیز بررسی شده و تبیین شد که چرا در ادبیات نمادسازی شیعه به وجود آمده در عین حال استقبال چندانی از آن در تاریخ صورت نگرفت.

واژگان کلیدی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، نماد، غیبت کبری، شیعه امامیه، ایران.

۱. دکتری تاریخ و تمدن و پژوهشگر مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
(majid.ahmadi.313@gmail.com)

با آغاز دوره غیبت، امام مهدی علیه السلام برای دوره‌ای نامعلوم از دیده‌ها نهان گشت و دیگر این امکان برای شیعیان وجود نداشت که بتوانند با امام خود ملاقات داشته باشند، این امر سبب گشت تا شیعیان امامی، به تدریج با جریان غیبت کنار آمده و براساس اصلی که هر شیعه باید آماده ظهور امام باشد به ساخت ایمان‌های روی آورند که نماد انتظار بوده است، بنابراین در طول غیبت کبری نمادهای گوناگونی در این باره ساخته شد، به طوری که با گذشت زمان و تکامل نمادها، جلوه‌های روشن‌تری از باور شیعیان پیرامون انتظار ارائه گردید.

نمادهای ساخته شده را به می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: نمادهای هنری، سازه‌ای، مراسم، هر کدام از این موارد خود در بسترتاریخ غیبت کبری که زمانی زیادی بوده دچار تحول گشته و با سپری شدن آن سیر تکاملی داشته است و در دوره صفویه به رشد نسبی رسید، این امر به خصوص با گسترش تشیع امامی در جغرافیای ایران و روند رو به رشد امامی مذهب‌ان در آن منطقه، سبب رشد فزاینده هر سه نماد مذکور شد و از نمادهای کلی و ابتدایی به ایمان‌های وزین تبدیل گشت، در این میان برخی از نمادهای سست نیز به وجود آمد که عمدتاً این موارد را باید براساس شتاب‌زدگی شیعیان در انتظار فرج و قریب الوقوع بودن ظهور امام مهدی علیه السلام پی‌جویی کرد. پژوهش کنونی به دنبال شناسایی آن نمادها و سیرتطور آن بوده و با تکیه بر مفهوم مهدویت، یادکرد امام دوازدهم در این ایمان‌ها ملاک قرار گرفته است، اهمیت بازخوانش نمادها از جهتی می‌تواند روند گسترش تشیع در ایران را نیز بازگو کند و از طرف دیگر توجه شیعیان به امام دوازدهم و نفوذ باور به امام ثانی عشر را بشناسد. در ادامه ابتدا واژه نماد باز تعریف شده و پس از آن به بررسی نمادهای ذکر شده توجه خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

نماد (که مظهر و سمبل هم نامیده شده) نشانه‌ای است که حاکی از یک اندیشه یا شیء و یا مفهوم، می‌باشد، نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش به طور طبیعی یا برپایه قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند پیوند داشته باشد. واژه Sign در لغت به معنی نشان، علامت و نماد می‌باشد، برخی براین باورند که نماد نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن نه شباهت عینی است و نه رابطه همجواری، بلکه رابطه‌ای قراردادی

وجود دارد. (محسنیان راد، ۱۳۸۵ ش: ۲۰۲) به باور نگارنده با آن که نمادها نمی توانند بی ارتباط با فرهنگ ها باشند و آداب و رسوم ملت ها در پیدایش نمادها تأثیر مستقیم دارد، در عین حال باورداشت اقوام نیز تأثیر به سزایی در نمادسازی خواهد داشت، با این وصف سازش نمادها بر پایه دواصل قرار دادهای اجتماعی و باورداشت اقوام شکل خواهد گرفت.

بنابراین چارچوب نظری این تحقیق آن است که نمادهای برساخته شده توسط شیعیان بر اساس زایش فرهنگی ایشان و همچنین برگرفته از باورداشت ایشان بر امامی موعود و موجود بوده است، امامی مذهببان در ورای باورداشت شان به امام مهدی علیه السلام در سایه نماد توجه ویژه پیدا کرده و در ادامه با گسترش جغرافیای تشیع، تعداد ایشان فزونی یافته و سرانجام با شکل گیری حکومت فراگیر صفویه، اِلمان ها نیز به شکل بایسته ای در میان امامیه پایدار شد. در این راستا ابتدا به تطور شعر مهدوی با رویکرد به امام مهدی علیه السلام توجه می شود و پس از آن دیگر نمادها نیز بررسی خواهد شد.

شعر

اولین اِلمان شیعی فراگیر در غیبت کبری شعر و سرودن اشعاری پیرامون مفاهیم دینی بوده است، اشعار فارس زبان ها در ابتدا بیشتر با مضمون مناقبی برای مفاهیم دینی به خصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان شکل گرفت، با این حال نمی توان تا نیمه سده چهارم هجری اشعاری با مضامین منقبت گرایانه یافت، (مجاهدی، ۱۳۸۴ ش) بلکه بیشتر اشعار فارسی درباره فضایل خلفا و برخی از اصحاب بوده است، در مقابل نیز با رویکرد منقبت نگارانه تشیع برخورد می شده است گرچه این امر احتمالاً به جهت جمعیت غالبی اهل سنت و حاکمیت سنی گرایانه در ایران بوده است، بعدها با روی کار آمدن دولت شیعی آل بویه که در بغداد و بخش هایی وسیعی در ایران حکومت می کردند مراسمات شیعی رونق گرفت و سبب شد تا علاوه برگسترش تشیع، شیعیان بتوانند در انجام مناسک مذهبی خود آزادانه تر رفتار کنند از جمله آن توجه به شعر منقبت نگارانه بوده است، (همو: ۴۲) منقبت نگاری در این دوره نیز روند یک سان نداشته است، در ابتدا ویژگی ها و اوصاف دولت حق را برخی از شعرا در امرا معنا می کردند و سعی بلیغی داشتند تا این دسته از حکام را با اوصاف مهدی گونه بستانند، اما توجه به ائمه هدی علیهم السلام و امام مهدی علیه السلام نیز توجه شعرا را به خود جلب کرد، این نگرش پس از مدتی و با گسترش

تشیع در جغرافیای ایران صورت گرفت و به صورت روز افزون ادامه داشته است. در ادامه با تقسیم بندی این دوره ها به این مهم توجه داده خواهد شد که با گذشت سده ها جریان مهدی باور با رویکرد به امام مهدی علیه السلام در میان شعرای ایران روز افزون بوده است. در تقسیم بندی اشعار فارسی می توان آن را در بخش شعر منقبت گرایانه به چند دسته تقسیم کرد:

اشعار مهدویت گرایانه با رویکرد تمجید از حاکمان

عده ای از شاعران با تشبیه مفاهیم مهدوی با برخی از زمام داران عصر خود سعی در تمجید از ایشان داشته اند، دانسته است این دسته از اشعار فارغ از سراینده آن نمی تواند بیان کننده حقایق آن دوره تاریخی باشد بلکه بیشتر جلب نظر حاکمان بوده است. برای نمونه می توان به این شعرا اشاره داشت:

- حسن عنصری بلخی (۴۳۱ ق) از شعرای دوره غزنویان، وی شیوه حکومتی سلطان محمود غزنوی (۴۲۱ ق) را نسخه ای از حکومت جهان شمول مهدی موعود معرفی می کند و حکومت پادشاه ظالم غزنوی را همسان حکومت عدالت محور مهدی دانسته است! (دیوان عنصری بلخی، ۱۳۴۲ ش: ۱۶۷-۱۷۰)^۱

- ابومنصور (قطران) تبریزی ملقب به امام الشعراء (متوفای ۴۶۶ ق)، وی با تشبیه زلزله به فتنه دجال،^۲ در تملق پادشاه تا آن جا پیش می رود که تمرد از فرامین او و عدم اطاعت از شاه را سبب زلزله دانسته است. (دیوان قطران تبریزی با مقالاتی از سه تن از اساتید زبان فارسی، ۲۰۷-۲۰۸)^۳

- ابوالفرج رونی (متوفای ۵۰۸ ق) که از قصیده سرایان مطرح در سده های پنجم و ششم هجری است در قصیده ای که برای ممدوح خود - سیف الدوله محمود - سروده، آشنایی مردم زمانه خود را با آیت مهدی «از رایت او می داند! و از میان رفتن فتنه دجال» را از هیبت وی می شناسد. (دیوان انوری، ۱۰۴۳-۱۰۴۵).^۴ از این دست شعرا که نگاهی متملقانه به حاکمان داشته اند فراوان دیده می شوند که جهت عدم اطاله بحث به همین

۱. که وقف کرده براو ذوالجلال، عز و جلال
کجا سیاست تو، نیست فتنه دجال
ز پیش رایت مهدی و فتنه دجال
به حکم شاه ستوده دل و ستوده خصال
منسوخ شد از هیبت او، فتنه دجال!

۱. خدا یگان خراسان و آفتاب کمال
سیاست تو به گیتی، علامت مهدی است!
۲. همی بدیده بدیدم چو روز رستاخیز
۳. زمین نگشتی لرزان، اگر نکردی پشت
۴. مشهور شد از رایت او، آیت مهدی!

مقدار بسنده می‌شود.

مفهوم عدالت گستری مهدویت

در این بخش بیشتر شاعران با الهام از قیام امام مهدی علیه السلام، با توجه به روایات فراوان که درباره ویژگی ظهور و ایام حضور مهدی وارد شده به بیان اشعاری در این زمینه دست زده‌اند، به طوری که در قسمت اعظمی از شعرآیینی جریان دارد و مسائلی همانند: غیبت، ظهور، فرج، انتظار و یاران آن حضرت در زمانه غیبت، در شعر مهدوی مطرح است. باید توجه داشت در شعرآیینی توجه به ابعاد مهدویت بسیار بیش از توجه به امام مهدی علیه السلام بوده است، برای نمونه خاقانی شروانی ۵۹۵هـ در بیان ویژگی مفهوم مهدویت عدالت ایشان را مهم دانسته است اما به امام ثانی عشر اشاره‌ای ندارد: (دیوان خاقانی شروانی، ۲۵۳۷: ۶۷۶)^۱ عطار نیشابوری (۶۲۷ق) در منظومه‌های عرفانی خود، بارها از مهدی با عنوان کلی مهدویت یاد کرده است اما آشکار نیست که مراد وی آیا امام مهدی علیه السلام بوده یا مفهوم مهدویت را لحاظ کرده است، گرچه نشانه‌ها حاکی از آن است که مراد وی بیشتر طرح مفاهیم مهدویت می‌باشد.^۲

حافظ (۷۹۱ق) شاعر سرشناس ایرانی در سده‌های میانی بوده که به جهت سرودن اشعار عارفانه و کاملاً استعاره‌گونه سرآمد بسیاری از شاعران می‌باشد، وی نیز در مفهوم مهدویت قصیده‌ای دارد، از این شعر نیز نمی‌توان به باورهای شخص وی پی برد در عین حال او همانند بسیاری از هم‌صنفان خود به این مهم توجه داشته است، وی با تشبیه فراغ از مهدی به جدایی یوسف از یعقوب، دوری از مهدی را نماد جدایی دانسته است.^۳ وی در بخشی دیگر بشارت به ظهور مهدی علیه السلام داده است. (دیوان حافظ شیرازی، ۱۳۷۸ش)^۴

از این دست اشعار فراوان می‌توان ذکر کرد که مجال این تحقیق چنین فرصتی به ما نمی‌دهد، شایسته بیان است بیشتر شاعر سده‌های میانی (۶-۱۰ق) گرایش‌های آشکار به تشیع داشته‌اند در عین حال نمی‌توان به طور قطع به تشیع ایشان اشاره داشت.

۱. پیش مهدی، به پیشگاه هدی عدل را، پیشوا فرستادی

۲. صد هزاران اولیا رو بر زمین از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی! مهدیی از غیب آر تا جهان عدل گردد آشکار (عطار نیشابوری، ۱۳۲۳ش)

۳. یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

۴. کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل؟ بگوسوز که مهدی دین پناه رسید

اشعار مهدوی با رویکرد به امام عصر (عج)

با گذشت زمان و روند رو به رشد تشیع در ایران، شاعران نیز درباره مهدویت علاوه بر کلی‌گویی و بیان برخی از مفاهیم مهم هنگامه ظهور و حضور مهدی (عج)، این بار به شخص امام مهدی (عج) توجه ویژه داشته‌اند این امر به خصوص در قرون میانی افزایش چشمگیری داشته است در این بخش به چند نمونه از این اشعار و شاعران آن توجه داده می‌شود:

از شاعران این دوره می‌توان به خواجوی کرمانی (۷۵۳ق) اشاره داشت، وی در در دیوان خود ترکیب‌بندی در هفده بند، تحت عنوان: فی نعت الأنبياء و مناقب الأئمة الإثني عشر (عج) دارد که برخی از بندهای آن اختصاص به امام ثانی عشر دارد. (دیوان خواجوی کرمانی، ۶۰۴-۶۰۸)^۱

ابن یمین فریومدی (متوفای ۷۶۹ق) شاعر پرآوازه شیعی در سده هشتم هجری، دو قصیده مناقبی شیوا در ستایش اهل بیت (ع) دارد که در آن از امام مهدی (عج) آشکارا نام برده است.^۲ ابن حسام خوسفی (متوفای ۸۷۵ق) شاعر پرآوازه آیینی در سده نهم هجری است که درباره ظهور امام مهدی (عج) و این که آن حضرت از نسل امیر مومنان است اشعاری سروده است.^۳ از این دست شعرا که توجه بسیطی به امام مهدی (عج) داشته‌اند می‌توان به این افراد اشاره داشت بابا فغانی شیرازی (۹۲۵ق) (فغانی شیرازی، ۱۳۵۳ش: ۸-۱۲)، محمد (اهلی) شیرازی (متوفای ۹۴۲ق) (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴ش: ۴۲۰-۴۲۱)، طالب آملی (متوفای ۱۰۳۶ق) (طالب آملی، بی‌تا) ملقب به ملك الشعراء. علاوه بر این

۱. به مقدم خَلَفَ منتظر، امام هم‌ام
شعیبِ مدین تحقیق، حجة القانم
مرتضی را دان ولی اهل ایمان تا ابد
بعد از او، در راه دین گریشوا خواهی گرفت
کیستند اولاد او؟ اول: حسن و ان‌که حسین
بعد از ایشان مقتدا، سجاد و ان‌که باقر است
پس تقی، آن‌که نقی، آن‌که امام عسکری
(۱۳۴۴: ۸)
۲. مسیح خضر قدم و خلیل کعبه مقام
عزیز مصر هدی، مهدی سپهر غلام (مجاهدی، ۱۳۸۴)
چوز دیوان ابد دارد مثال «اتما»
بهتر از اولاد معصومش نیابی پیشوا
آن‌که ایشان را نبی فرمود: امام و مقتدا
چون گذشتی جعفر و موسی و سبط اورضا
بعد از آن مهدی، کزو گیرد جهان نور و صفا (ابن یمین فریومدی،

۳. علیّ عالی علم، که اندر صف شجاعت ز راه تأدیب
ادیب شمشیر او دما دم، ادیم صحرا به دم برآرد
قسیم جنت، نعیم جنت، به يك عطیه اگر ببخشد عجب نباشد که او نیارد که دست همت به کم برآرد
ز اصل خاکش، ز نسل پاکش، امام مهدی هادی دین چه روز باشد که بر سر افسر به پادشاهی حشم برآرد (خوسفی، ۱۳۶۶ش: ۱۵۶-۱۵۷)

موارد باید به شیخ بهایی اشاره داشت وی که از جمله عالمان به نام امامیه در دوره صفویه بوده است که توانست اشعاری نغز درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بسراید. دوره وی اوج شکوفایی دولت شیعی در ایران بوده است. از این دوران به بعد به تدریج اشعاری که حاوی مفهوم مهدویت و توجه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بوده به صورت فزاینده‌ای در جامعه ایرانی افزایش یافت و در دوره‌های بعد از صفویه، یکپارچگی شیعیان که بسیار بیش از آغاز دوران غیبت کبری بوده، سبب شد تا سروده‌هایی با عنوان امام عصر عجل الله تعالی فرجه و مهدویت گسترش چشمگیری بیابد.

براین اساس باید تأکید داشت که شعر فارسی‌زبانان در فرآیند غیبت کبری با سیر تطوری همراه بوده است که در ابتدا با کلی‌گویی و حتی همراهی با حاکمان زمان مفاهیم مهدوی بیشتر هجوگونه بوده و در ادامه با پایداری مکتب تشیع توجه به مهدویت و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بسیار پیش رفت و سرانجام در دوره صفویه به بالندگی رسید.

مراسم

با شکل‌گیری دولت شیعی آل بویه که گرایش آشکار به تشیع داشته و از قضای روزگار نژاد ایرانی نیز داشتند، به تدریج مراسم‌های با رنگ بوی شیعی فراوانی در بغداد مرکز حاکمیت ایشان صورت گرفت، با سیطره این حکومت در ایران، این دسته از مراسمات به آن‌جا نیز راه یافت، دسته‌جات گوناگونی از مراسم دینی در میان شیعیان وجود داشته است که به تدریج سبب شد تا به نمادهای در این زمینه تبدیل شوند، مهم‌ترین آنها برگزاری جشن‌های غدیر بوده است، علاوه بر آن وجود مراسم سوگواری برای سیدالشهدا علیه السلام خود بر فزونی نمادهای شیعی افزود، در سده‌های ۴ و ۵ فعالیت‌های گسترده‌ای که توسط عالمان شیعی صورت گرفت، سبب شد تا مکتب امامیه با بسط چشم‌گیری در مرکز و شرق جهان اسلام روبرو شود، بسیاری از این اندیشمندان خود از نژاد فارس بوده‌اند براین اساس در ترغیب مردمان خود دو چندان تبلیغ کردند با گسترش تشیع امامی در غیبت کبری مراسمات ایشان نیز به تدریج افزایش و گسترش پیدا کرد، این بار مراسم‌های که اختصاص به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را داشته به آداب و رسوم امامیه افزوده شد.

این مراسم‌ها در زمانه‌های مختلف به صورت‌های گوناگونی برگزار می‌شده است، با توجه به پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف ایران، نوع مراسم‌ها نیز به گونه‌های مختلف

برگزار می‌شده است، گرچه در برخی از امور یکسان بوده اما نقاط گوناگون و تأثیر فرهنگ‌ها خود بر تنوع این مراسمات افزوده است، این بار مراسم‌های با عنوان انتظار برای امام مهدی عج بر دیگر مراسمات شیعی افزوده شد و با گذشت روزگار و طولانی شدن غیبت امام و گسترش تشیع تنوع آن‌ها نیز بیش از پیش شد. در ادامه به برخی از این دسته مراسم‌ها اشاره خواهد شد.

رسم انتظار ظهور در بَدّ

کهن‌ترین روایت در زمینه رسم انتظار فرج، مربوط به منطقه بَدّ در آذربایجان است. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۸۲۷) ابن خردادبه، جغرافی‌دان قرن سوم هجری، بَدّ را رستاقی در آذربایجان ذکر کرده (ابن خردادبه، بی‌تا: ۱۲۰) که مابین آذربایجان و اَران قرار داشته و محل خروج بابک خرم دین بوده است. ابودلف در سده چهارم می‌نویسد: در بَدّین مکانی به مساحت سه جریب دیدم، می‌گویند این محل قدمگاه (موقف) مردی می‌باشد و هرکس در آن جا بایستد و از خدا چیزی بخواهد دعایش مستجاب می‌شود در این مکان انتظار ظهور مهدی را دارند. (ابودلف خزرچی، ۱۳۵۴: ۴۷)

یاقوت حموی (۵۷۵-۶۲۶ق) و عمادالدین زکریا قزوینی (۶۰۵-۶۸۲ق) نیز به رسم انتظار فرج در بَدّ اشاره کرده‌اند. یاقوت در ذیل مدخل بَدّ از امیدواری برخی برای ظهور مهدی در این مکان سخن گفته است. او به نقل از مسعر شاعر می‌نویسد: سرخ علما که به خرّیمان شناخته شوند، پرچم‌های خود در آن جایگاه برمی‌افرازند؛ بابک از آن جایگاه به پا خاست. ایشان امیدوارند که مهدی نیز از آن جا برخیزد. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۴۶۴)

زکریا قزوینی نیز در *آثار البلاد و اخبار العباد* (تألیف ۶۷۴ق) می‌نویسد:

بَدّ ولایتی است میانه اران و آذربایجان. بابک خرمی در عهد معتصم از آن جا خروج نمود. و در آن جا جای پای است که مردم به زیارت آن جا روند و گویند دعا در آن جا مستجاب است و انتظار خروج مهدی را از آن جا کشند و نه‌ری در آن جا است که اگر صاحب تبی به آن غسل کند، تبش رفع شود. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۸۹)

همچنین در نیمه دوم قرن سوم و اوایل سده چهارم هجری برخی از وکلای امام دوازدهم شیعیان در آذربایجان فعالیت داشته‌اند که این نکته نشانگر حضور فعالانه شیعیان در این منطقه است. قاسم بن علاء از وکلای معروف منطقه اران و آذربایجان در

غیبت صغری بوده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۷۵). گفته شده قاسم با امام مهدی علیه السلام مکاتبه داشته است و او که نابینا بود با کرامتی از حضرت شفا می یابد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۱۹؛ طوسی، ۱۴۷۱: ۳۱۰). بعد از وی پسرش حسن بن قاسم علا آذربایجانی در همان منطقه به وکالت رسید (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۱۵).

کاشان نیز از جمله شهرهایی است که رسم انتظار ظهور مهدی علیه السلام در آن برقرار بوده و برخی منابع در سده هفتم بدان اشاره داشته اند. کاشان در شمار شهرهای کهن شیعی است گزارش های مربوط به رسم انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام در کاشان توسط عمادالدین زکریاء قزوینی (متوفی ۶۸۲ق) و یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶ق) نقل شده اند. صاحب آثار البلاد گزارش کرده:

احمد بن علی بن بابۀ کاشانی کتابی نوشته و ذکر فرق شیعه را نموده و چون به ذکر امامیه رسیده و ذکر منتظر محمد بن مهدی - صلوات الله و سلامه علیه - را نموده، گفته: عجب آن است که در ولایت کاشان جمعی می باشند از امامیه و من ایشان را دیده ام، در هر صبح، انتظار ظهور امام خود را می کشند و یراق پوشیده به اسب سوار شده، از شهر بیرون می روند به انتظار آن که صاحب و امام ایشان ظاهر شود و چون آفتاب بلند می شود، باز به شهر عود می کنند و به یکدیگر می گویند که امروز هم نشد و همیشه در این انتظار می باشند. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۰۲ - ۵۰۳)

یاقوت حموی نیز نظیر همین گزارش را ذکر کرده است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۴، ۲۹۶) گویا این مراسم متأثر از حمله مغولان به ایران و کشتار وحشیانه ایشان بوده است، چراکه بر اساس باور شیعیان امام مهدی علیه السلام در زمانی که ظلم فراگیر شود خواهد آمد. بنابراین باور بوده که برخی از ایشان تردیدی بر آمدن ایشان پس از حمله مغول نمی دیدند و زمانه خود را همان زمان موعود می پنداشتند.

همچنین این احتمال داده می شود که این دسته از مراسم، متأثر از دیگر شهرهای شیعی عرب زبان بوده است، برای نمونه درباره سامرا مراسم مشابهی را نقل کرده اند: عماد الدین زکریاء قزوینی (متوفی ۶۸۲ق) نوشته:

شیعیان برای انتظار ظهور مهدی صاحب الزمان علیه السلام، اسبی سمند با زین و یراق طلا، در کنار در سردابی که مهدی علیه السلام غایب شده نگه می داشته اند. این سرداب در نزدیک مسجد جامع واقع بوده است.

یا در شهر حله، که از سده ششم به این سو مرکزی عمده برای شیعه بوده است و یکی

از اسباب شیعه شدن ایرانیان نیز می باشد، رسم انتظار وجود داشته است. حمدالله مستوفی در نزهة القلوب (تألیف ۷۴۰ ق) می نویسد:

در حله مقامی ساخته اند و اعتقادشان آن که امام المنتظر المهدی محمد بن حسن العسکری که در سامره در سنه ۲۶۰ غایب شد، باز از آن جا بیرون خواهد آمد. (مستوفی، بی تا: ۴۲)

حکومت سربداران، که گرایش های آشکاری به تشیع امامی داشتند، مراسم انتظار به گونه خاصی برگزار می شده است. خواند میر (۹۴۱ ق)، چنین آورده است:

خواجه علی مؤید چون بتأیید الهی در سبزوار بر مسند شهریاری نشست، در اظهار شعار مذهب علیه امامیه مبالغه نموده، بأقصى الغایه در تعظیم سادات عظام کوشید و به امید ظهور صاحب الزمان علیه السلام هر صباح و مساء انتظار می کشید. (خواند میر، ۱۳۸۰: ج ۳، ۳۶۶)

شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹ ق) نیز ضمن بیان این نکته که سلطان علی مؤید «مروج مذهب حق ائمه اثنی عشر بود» (شوشتری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۳۶۶) به نقل مطلب گفته شده در تاریخ حبیب السیر پرداخته است. (شوشتری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۳۶۷) میرخواند (۸۳۷-۹۰۳ ق) هم درباره او نوشته:

و خود شیعه بود و در تعظیم علما و سادات به أقصى الغایه کوشید و سادات را بر علما ترجیح داشتی و هر بامداد و شب به انتظار صاحب الزمان اسب کشیدی و اسمای دوازده امام بروجه دنا نیر ثبت نمودی و کرم او نهایت نبودی. (میرخواند، بی تا: ج ۵، ۶۲۴)

در دوره صفوی رسم انتظار ظهور مهدی علیه السلام در چند شهر، به ویژه اصفهان، برقرار بوده است. در اصفهان و دو شهر مهم دیگر، در هر کدام، یک طویله مخصوص اسب های امام صاحب الزمان علیه السلام ساخته اند تا بنمایند وی نمرده و زنده است. در هریک از این طویله ها، شبان و روزان، چند اسب با ساز و برگ کامل و آراسته نگه می دارند تا در لحظه ظهورش برای سواری وی آماده باشد. (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۲۷۹-۱۲۸۰)

مراسم ۹ ربیع الاول

روز نهم ربیع الاول هم زمان با نخستین روز امامت امام مهدی علیه السلام است. گرچه امامت آن حضرت از لحظه وفات پدر آغاز می شده، اما به احترام شهادت پدرشان، روز هشتم را

به عنوان تبریک گویی امامت تلقی نمی کنند. سید بن طاووس پس از بیان شهادت امام عسکری علیه السلام در روز هشتم ربیع الاول می نویسد:

آغاز امامت مهدی علیه السلام روز نهم ربیع است و شاید علت بزرگداشت این روز همان می باشد. (ابن طاووس، ۱۴۱۵: ج ۳، ۱۱۴).

دعاها

بخشی دیگر از مراسمات که نقش چشم گیری در زندگی شیعیان داشته برگزاری مراسم دعا با یادکرد امام مهدی علیه السلام بوده است. با گذشت ایام رویکرد شیعیان به این دسته از دعاها بیش از دوران ابتدای غیبت کبری بوده و به خصوص در دوران معاصر بسیار پررونق بوده است، اما آشکار نیست که از چه دوره ای در میان امامیه برگزار شده است. به هر صورت طولانی شدن غیبت در توجه شیعیان به این دست از دعاها بی تأثیر نبوده است.

دعای ندبه: ندبه به معنی فراخوانی و نیز گریه و ناله است و این دعا مشتمل بر استغاثه و استمداد از امام مهدی علیه السلام و تأسف بر غیبت و گریه از فراق ایشان است؛ بر این اساس به این نام شهرت یافته است، پیشینه این دعا را تا دوران امام صادق علیه السلام دانسته اند اما شیعیان در غیبت کبری اقبال بیشتری بدان داشته اند، این دعا را سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق)، در کتاب *اقبال خویش*، (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ ق: ۶۰۹-۶۰۴) و در کتاب *مصباح الزائر* فصل هفتم (نسخه خطی) و محمد بن جعفر بن مشهدی حائری (زنده به سده ششم هجری) در کتاب *مزار معروف* به مزار ابن مشهدی، نقل کرده اند. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق: ۵۳۷-۵۸۴) در عین حال گزارشی یافت نشد که در سده های ابتدایی این دعا به صورت دسته جمعی خوانده شود. احتمالاً به تدریج این دعا در میان شیعیان مرسوم شد. جشن های نیمه شعبان نیز از جمله مراسمی بوده است که شیعیان معاصر بدان اهتمام داشته اند.

سازه ها

دیگر نمادی که شیعیان بدان توجه نشان دادند سازه های بود که به نام امام مهدی علیه السلام در طول تاریخ غیبت کبری در ایران ساخته شد برخی از این سازه ها توسط حکومت های شیعی ساخته می شده و برخی دیگر نیز مورد علاقه مردم بوده است، حکومت ها بیشتر توجه به سکه ها داشته اند و عمده باور حکومت و حاکمان بر روی سکه نقر می شده است

در ضرورت فرهنگ شناسی ضرب سکه بایستی اذعان نمود که در قلمرو تاریخ هنر، باستان شناسی، مردم شناسی و شناخت اسطوره ها و خط نگاری و تصویر و علوم انسانی اطلاعات ذی قیمتی برسکه ها وجود دارد که همواره اطلاع رسان و دست مایه ای ارزنده برای پژوهش گران است.

اندیشه مهدویت و انتظار ظهور امام زمان علیه السلام خود را در سکه های پادشاهان مسلمان نشان داده است، گرچه سکه های صاحب الزمانی بیشتر پس از سقوط صفویه در دوره های افشاریه، زندیه و قاجاریه ضرب شده است، اما نقر نام امام مهدی علیه السلام برسکه ها به مدت ها قبل از آن برمی گردد، در دوره ایلخانی تحولات مهمی در زمینه ضرب سکه ها به وقوع پیوست که از جمله آن ها نقر شعائر شیعی مثل تشهد برسکه ها بود، علاوه بر آن نام دوازده امام برای اولین بار از این زمان برسکه ها معمول گردید، اولین پادشاهی که نام ائمه اطهار علیهم السلام را برسکه آورد غازان خان بود. (۶۹۴ تا ۷۰۳ ق)

خواجه رشیدالدین فضل الله در تاریخ مبارک غازانی از نقش اسامی ائمه دوازده گانه بر سکه های آن دوره خبر می دهد و تأکید دارد که وی برای امامان شیعه احترام بسیاری قائل بود. او به هر صورت در راستای اهداف سیاسی و مذهبی خویش باید جانب شیعیان را نگه می داشت و این امر از آن جا نمایان است که وی دستور داد نام امامان شیعه بر «درست طلا» که نوعی سکه با ارزش و وزن بسیار زیاد صد مثقالی بود نقر کنند. این سکه ها بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و به طریق انعام و هدیه در جشن ها و اعیاد به شخصیت ها داده می شد. بر روی درست های طلا نام سلطان، آیات قرآن و اسامی دوازده امام نقر شده که حک اسامی دوازده امام برای اولین بار بر روی سکه ها نمایانگر اهمیت و رونق تشیع در این دوره است. (اشپولر، ۱۳۶۸: ۴۶۳)

سلطان محمد اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ هـ) هشتمین ایلخان مغول بود که پس از غازان خان پادشاه گردید، از وی سکه های بسیاری بر جای مانده است، از سکه های ارزشمند موجود در گنجینه سکه آستان قدس رضوی درهم نقره اولجایتو است که به نام دوازده امام شیعیان مزین است. (معطوفی، ۱۳۹۲: ۲۰۳)

طغاتی مورخان (۷۳۲-۷۵۲ ق) اهل سنت که در خراسان و مازندران و استرآباد حکومت می کرد و معروفیتی داشت سکه هایی با رویکرد شیعی و سنی به دست آمده است. روی سکه: «الله / لا اله الا / محمد / رسول الله / علی ولی الله»، حاشیه بین دایره

میانی و بیرونی کلمات: «اللهم صلی علی محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و الحسن و محمد». پشت سکه: «السلطان العالم طغای تیمور خان خلد الله ملکه»، حاشیه پشت سکه در فضای بین شش گوش و در دایره بیرونی که به وسیله ستاره‌ها جدا شده، این واژه‌ها نقر شده است: «ضرب / فی سنة / اثنین / و اربعین / و سبعمایه» سکه دیگری از وی برای اولین بار نام امام زمان علیه السلام به صورت «محمد الحجة» ذکر گردیده است. (اسمیت، ۱۳۶۱: ۲۰۳) هم چنین در حاشیه سکه‌ای که در سال ۷۷۰ قمری در سبزوار ضرب شده، چنین آمده است: صلّ علی محمد المصطفی، علی المرتضی و الحسن الرضا و الحسین الشہید و علی زین العابدین و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی کاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و حسن العسکری و محمد حجة الله (جعفریان، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۸۵).

یک سکه از امیر تیمور (۷۷۱-۸۰۷ ق) از جنس نقره به وزن ۴ گرم به دست آمده که در پشت سکه در وسط آن «لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله» و در حاشیه پشت سکه نام مبارک دوازده امام شیعیان نقر شده است. (طباطبایی، ۱۳۴۷: ۵۵)

در دوره صفویه برای اولین بار در دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ق) نام خود را بر سکه‌ها غلام امام مهدی علیه السلام نامید و بر سکه نوشت: «غلام امام مهدی علیه السلام السلطان العادل ابوالمظفر پادشاه طهماسب الصفوی، از دیگر سلاطین صفویه محمد خدا بنده (۹۸۵-۹۹۶ ق) فرزند شاه طهماسب بود که همانند مانند پدر در دو سکه مختلف با عبارات متفاوت خود را «غلام حضرت مهدی» نامید بر یک سکه نوشت: «غلام امام مهدی علیه السلام السلطان العادل ابوالمظفر سلطان محمد خدا بنده خلد الله ملکه» و بر سکه‌ای دیگر: «غلام امام محمد مهدی علیه و آباءه السلام سلطان ابوالمظفر محمد پادشاه بن طهماسب حسینی خلد الله ملکه» (قائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۵) در سکه‌های شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) نیز از امام زمان علیه السلام با نام «المهدی» و «محمد المهدی» یاد شده است (همو، ۱۳۳)، «الله ملکه» (قائینی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

از دیگر المان‌های سازه‌ای در ایران آن دوران می‌توان به ساخت مسجد جمکران اشاره داشت که به نام امام دوازدهم ساخته شد، این مسجد در محدوده شش کیلومتری شهر قم قرار گرفته است، بر اساس آن چه محدث نوری در جنه الماوی نقل کرده است حسن بن مثله جمکرانی به دستور امام آن را ساخته است. به گزارش تاریخ قم، اولین مسجدی

که در قم، پیش از مهاجرت اشعریان از کوفه به این شهر در اوایل قرن دوم بنا شد، مسجد قریه جمکران بود که خَطّاب اسدی آن را بنیان نهاد و در آن به تنهایی نماز می‌گزارد (قمی، ۱۳۱۳ق: ۳۸). این احتمال داده شده که مسجد جمکران فعلی همان مسجد خطّاب اسدی باشد که پس از گریز ساکنان غاضریه از قبیله بنی اسد به جمکران، به هنگام قیام مختار در کوفه، توسعه بیشتری یافت. این مسجد در گذشته به «مسجد قدمگاه» مشهور بوده (فیض قمی، ۱۳۴۹ش: ج ۲، ۶۶۷) و به سبب نزدیکی با روستای جمکران، به مسجد جمکران شهرت یافته است. همچنین به سبب انتساب به حضرت مهدی علیه السلام، «مسجد صاحب الزمان» نیز نامیده می‌شود (میرعظیمی، ۱۳۸۳ش: ۵۸). پیرامون این مسجد در دوره صفویه، ضمن بیان وقایع سال ۹۸۶، گفته شده در شرح حال میرغیاث الدین محمد میرمیران نوشته است که او به هنگام توقف در قریه لَنجَرود قم، گاهی در مقام با احترام امام زمان علیه السلام در جمکران اعتکاف می‌کرد (منشی قمی، ۱۳۵۹ش: ج ۲، ۱۰۱۹). این بنا نیز توانسته مشتاقان زیادی از شیعیان را برای توسل و یادکرد امام مهدی علیه السلام در سال به دور خود جمع کند، این نکته شایسته بیان است که این اقبال در دوره‌های متأخر (معاصر) بسیار رشد داشته است.

منبر مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد، در جنوب حرم امام هشتم شیعیان در شهر مشهد ساخته شده است. این مسجد در سال (۸۲۱ق) به دستور گوهرشاد آغا (۸۶۱ق) همسر شاهرخ از پادشاهان تیموری بنا شده است. این مسجد از نفیس‌ترین شاهکارهای معماری ایرانی در دوره تیموری به شمار می‌رود.

منبری در ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد وجود دارد که بدون استفاده از میخ، با چوب گردو و گلابی ساخته شده است و هر چند هیچ تاریخی از زمان ساخت آن در دست نیست، ولی احتمال این که همزمان با تأسیس مسجد گوهرشاد ساخته شده باشد، بسیار زیاد است.

این منبر با ظرافت و هنرهای خاصی که داراست، همواره مورد توجه همه آن‌هایی بوده است که گذری به مسجد گوهرشاد داشته‌اند. دو کتیبه زیبا به خط ثلث بر جلوی پایه اول و سمت راست منبر وجود دارد. می‌گویند از قدیم تصور مردم بر این بوده که حضرت صاحب الزمان علیه السلام هنگام ظهور بر این منبر، جلوس خواهند فرمود.

برخی تاریخ ساخت منبر صاحب الزمان را اواخر دوره صفوی و عده‌ای آن را سده نهم هجری که دوره تاسیس مسجد گوهرشاد است، می‌دانند. با توجه به برخی از نشانه‌ها دیدگاه دوم به واقعیت نزدیک‌تر است؛ چرا که ممکن نیست مسجدی با این عظمت ساخته شده باشد ولی طراحان توجهی به منبرش نداشته باشند، هم‌چنین سبک ساخت منبر مذکور شبیه منابر اهل سنت می‌باشد، از طرف دیگر شکل ظاهری این منبر با منبر مسجد جامع نائین و مسجد جامع گرگان هماهنگ است که اولی در سال (۷۱۱ق) و دومی در (۸۵۹ق) ساخته شده‌اند. این مویذات رهنمون به این مطلب است که این منبر در دوره ریاست تیموریان که دارای مذهب رسمی اهل تسنن بوده‌اند، ساخته و در مسجد گوهرشاد به کار گرفته شده است و تنها منبر بر جای مانده از دوره تیموری در خراسان می‌باشد. باور عامه شیعیان از دیرباز بر آن بوده که حضرت صاحب الزمان علیه السلام پس از ظهور بر آن جلوس خواهد نمود (سایت تبیان).

علاوه بر موارد بالا گونه‌های دیگری از نمادها وجود داشته که بیشتر بر اساس خرافه‌گذاری بوده است، این امر به خصوص در دوره صفویه شدت یافت و ادعاهای ناهمگون از سوی پادشاهان صفوی و برخی از طرفداران شان سرعت گرفت، بر همین اساس *عالم آرای صفوی* نقل می‌کند شاه اسماعیل عمارتی را برای امام مهدی علیه السلام ساخته بود، وی چنین می‌نویسد:

به امر مرشد قرق کردند از در قلعه تبرک تا در باغ، کف دولت خانه آن حضرت شده بود، آن وقت باغ بود. آن حضرت عمارت فرمود. امرا پرسیدند که ای شهریار، پایتخت شما تبریز خواهد بود؟ در جواب فرمود که: این عمارت را از برای حضرت صاحب الامر ساخته‌ام. (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۱۷۴)

برخی از پیش‌گویی‌ها در این دوره صورت گرفت که عمدتاً برخاسته از همان اعتقاد رایج طرفداران صفویه مبنی بر ظهور قریب الوقوع امام مهدی علیه السلام بوده است برای نمونه برخی از معتقدان ایشان تا آن اندازه پیش رفته بودند که تردیدی در متصل بودن دولت صفویه با دولت امام مهدی علیه السلام نداشته‌اند:

می‌شنوم که مردم بسیار تردد می‌کنند به در خانه سلطان جنید و می‌ترسم که مبادا از این دودمان یکی خروج کند و دولت از سلسله ما منتقل شود به دودمان حضرت شیخ صفی. ببینید که از این سلسله به سلسله من نقصان خواهد رسید تا در پی دفع این جماعت درآیم. منجمان گفتند: نزدیک شده است که به اندک روزگار تمام

ولایت ایران و دیار ملک روم و مملکت هندوستان و ولایت ترکستان را مسخر خواهند گردانید و صاحب خروج خواهد شد و مذهب را تغییر خواهد داد و دولت ایشان زوالی نیابد مگر هنگام خروج صاحب الامر که در رکاب آن (حضرت) شمشیر خواهند زد و پادشاهی را به ملازمان آن حضرت سپرده و خود حلقه بندگی آن سرور را در گوش خواهند کشید. (مؤلف ناشناخته، ۱۳۶۳: ۲۶ و ۲۷)

حتی این دست از پندارها تا آن جا بود که شاه صفوی فرزند خود را وقف امام دوازدهم کرده است: (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۸۶)

تاریخ نگاران این دوره، همچنین از پیشگویی هایی که در اشعار برخی عرفای بزرگ وجود داشت نیز استفاده کرده و آنها را منطبق بر صفویان می کردند، برای نمونه اشعار شاه نعمت الله ولی که اساس برخی از آنها از نظر انتساب به او نامشخص است، حاوی مضامین صوفیانه و مهدیانه، با اشارت پیشگویانه بود. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۳۳)

گفته شده که شاه طهماسب خواهری داشت که او را در اندرون نگه می داشت و نمی خواست به ازدواج کسی در آورد، چون قصد داشت او را به زنی به مهدی علیه السلام بدهد. همچنین شاه طهماسب اسب سفیدی داشته که همیشه برای مهدی علیه السلام آماده بوده و هیچ کس سوار این اسب نمی شد. (تطیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۷)

براین اساس باید جزیره خضرا را نیز از جعلیات این دوره دانست که در راستای همان سیاست نزدیکی ظهور توحیه کرد به نظر می رسد در میان منابع موجود نخستین اثری که به نقل داستان جزیره خضراء پرداخته بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۵۹) است. پس از ایشان مرحوم محدث نوری در کتاب های خود در کنار نقل حکایاتی از این دست، به نقل این داستان و مانند آن مبادرت نموده است. (محدث نوری، باب ۷، حکایت ۳۷) این داستان که قصه پردازی آن آشکار است بیش از آن یک حکایت باشد بیشتر نشانه ای از نمادهای جعلی در آن روزگار می باشد. (عاملی، ۱۴۱۲: ۲۲۶-۲۳۱)

شاید فقدان پنج سده ای حکومتی شیعی از سقوط آل بویه در سال ۴۴۷ هـ تا روی کار آمدن صفویه در سال ۹۰۷ هـ سبب شد تا شیعیان این بار پدیدار شدن این حکومت را خود سرآغازی جدید در مناسبات اجتماعی، سیاسی خود بدانند بنابراین ظهور امام مهدی علیه السلام را بسیار نزدیک می پنداشتند و این امکان را دور از ذهن نمی دانستند که این دولت سبب ساز ظهور خواهد بود.

نتیجه‌گیری

بررسی نمادهای شیعه در غیبت کبری که براساس باورداشت به امام مهدی علیه السلام صورت گرفته بود ما را به این نتیجه رساند که این دسته از اِلمان‌ها در ابتدا به مفاهیم کلی مهدویت توجه داشته به طوری که تشخیصی مصادیق چنین مفاهیمی دور از نظر است و نمی‌توان به باورداشت حقیقی معتقدان پی برد، با گسترش تشیع امامی به تدریج باورمندی به امام مهدی علیه السلام نه تنها به عنوان یکی از مفاهیم مهدویت بلکه به عنوان مصداق تام آن مد نظر طرفداران ایشان شد، این بار سعی زیادی شد تا این باورداشت همراه با نمادهای ویژه‌ای برای ایشان باشد، اِلمان‌های مشهور این دوره از طرفی تأکید بر وجود خارجی ایشان داشته و از طرف دیگر شرایط منتظران را در ظهور قریب الوقوع ایشان بی تأثیر نمی‌دانستند.

منابع

- ابن حسام خوسفی، دیوان محمد بن حسام خوسفی، به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک، اداره کل حج و امور خیریه استان خراسان، ۱۳۶۶.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق.
- ابن یمین فریومدی، دیوان اشعار ابن یمین فریومدی، به تصحیح حسینعلی باستانی راد، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۴.
- اسمیت، جان ماسون، خروج و عروج سربداران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ش.
- اشیپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سوم، ۱۳۶۸ش.
- انوری، دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرّس رضوی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دوم، بی تا.
- اهلی شیرازی، کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی، به کوشش احمد ربّانی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۴.
- تطیلی و همکاران، سه سفرنامه، ترجمه و تحقیق حسن جوادی و ویلم فلور، تهران، انتشارات دکتر محمود افشار، اول، ۱۳۹۳.
- حافظ شیرازی، دیوان خواجه حافظ شیرازی، به تصحیح و تحشیه و مقابله محمدعلی مجاهدی، قم، هجرت، اول، ۱۳۷۸.
- خاقانی شروانی، دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح علی عبد الرسولی، بی جا، انتشارات خیام، ۲۵۳۷.
- خواجه کرمانی، دیوان کامل خواجه کرمانی، با مقدمه مهدی افشار، انتشارات زرّین، چاپ ارزشنگ.
- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، قم، انتشارات انصاریان، سوم، ۱۳۸۰ش.
- سید بن طاووس، سید رضی الدین، اقبال الأعمال، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- طالب آملی، کلیات اشعار ملک الشعراء طالب آملی، به تصحیح و تحشیه طاهری شهاب،

- تهران، انتشارات سنایی، بی تا.
- طباطبایی، سید جمال الدین، *رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی*، نشریه شماره ۶، موزه آذربایجان، آبان ۱۳۵۱ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیة*، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
- عاملی، جعفر مرتضی، *دراسة فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء*، بی جا، بی نا، ۱۴۱۲ ق.
- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *مظهر العجایب و مظهر الاسرار*، تهران، بی نا، ۱۳۲۳ ش.
- عنصری بلخی، دیوان عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۲.
- فغانی شیرازی، دیوان اشعار بابا فغانی شیرازی، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، نشر اقبال، دوم، ۱۳۵۳.
- فیض قمی، عباس، *کتاب گنجینه آثار قم*، قم، ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ ش.
- قاضی احمد قمی، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- قائینی، فرزانه، *سکه های دوره صفویه (سکه شناسی)*، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه، ۱۳۸۸ ش.
- قطران تبریزی، دیوان قطران تبریزی با مقالاتی از سه تن از اساتید زبان فارسی، تهران، انتشارات ققنوس، اول، بی تا.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن اشعری، *تاریخ قم*، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران، انتشارات مجلسی، ۱۳۱۳ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مجاهدی، محمد علی، *سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی*، قم، مسجد مقدس جمکران، دوم، ۱۳۸۴ ش.
- محسنیان راد، مهدی، *ارتباط شناسی*، تهران، سروش، هفتم، ۱۳۸۵.
- معطوفی، اسد الله، *سکه های طبرستان، گرگان و استرآباد*، تهران، انتشارات پازینه، ۱۳۹۲ ش.
- منشی قمی، احمد، *خلاصة التواریخ*، تهران، چاپ احسان اشراقی، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۳ ش.
- مؤلف ناشناخته، *عالم آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات، دوم، ۱۳۶۳.
- نوری، میرزا حسین، *نجم الثاقب*، بی جا، بی نا، بی تا.

